

بررسی مطابقت فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان غیر فارسی زبان براساس پارامترهای دستور جهان شمول*

محمد رضا طالبی^۱

گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

رضامراد صحرایی^۲

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مطابقت فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان غیر فارسی زبان براساس پارامترهای نظریه دستور جهان‌شمول است. این پژوهش با استفاده از تحلیل نمونه‌های نوشتاری زبان آموزان سطوح مبتدی و پیش‌میان از ملیت‌های مختلف تلاش می‌کند تا میزان انطباق فعل‌ها با فاعل‌ها را ارزیابی کند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات رایج از جمله ناهمخوانی شخص و شمار، ترتیب نادرست واژگان، و حذف و افزودن نابجای فاعل، اغلب ناشی از انتقال منفی زبان مادری و تفاوت‌های پارامتری میان زبان فارسی و زبان اول زبان آموزان است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زبان آموزان بسته به ویژگی‌های دستوری زبان مادری خود، چالش‌های متفاوتی را در فراگیری این مقوله زبانی تجربه می‌کنند. نتایج این پژوهش می‌تواند به بهبود روش‌های آموزش دستور زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان کمک کند و پیشنهادهایی برای طراحی راهبردهای آموزشی مؤثر ارائه دهد؛ از جمله این پیشنهادها تأکید بیشتر بر آموزش صریح تطابق فعل و فاعل و استفاده از تمرین‌های مبتنی بر مقایسه میان زبان فارسی و زبان اول فارسی آموزان است.

واژه‌های کلیدی: مطابقت فعل و فاعل، دستور جهان‌شمول، فارسی آموزان غیر فارسی زبان، زبان دوم آموزی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

¹ Email: mr.tollabi@gmail.com

(نویسنده مسئول)

² Email: sahraei@atu.ac.ir



Persian language international teaching studies
Year 9, Number 16, Fall & Winter 2024-2025; pp (12-33)
10.22034/maz.2026.10343



مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی
سال ۹، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳؛ صفحات (۱۲-۳۳)
نشریه علمی / مقاله پژوهشی

Analysis of Subject-Verb Agreement in the Writing of Non-Native Persian Learners Based on Universal Grammar Parameters *

Mohammad Reza Tollabi¹

Department of Linguistics, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh
Tabatabai University, Tehran, Iran

Reza Morad Sahraei²

Department of Linguistics, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh
Tabatabai University, Tehran, Iran

Abstract

This study aims to investigate subject-verb agreement in the writing of non-native Persian learners based on the parameters of Universal Grammar theory. By analyzing writing samples from beginner and pre-intermediate learners of various nationalities, the research seeks to evaluate the alignment of verbs with their subjects. Data analysis reveals that common issues, such as mismatches in person and number, incorrect word order, and inappropriate omission or addition of subjects, often stem from negative transfer from the learners' native languages and parametric differences between Persian and their first languages. The findings indicate that learners experience different challenges in acquiring this linguistic category depending on the grammatical features of their native languages. The results of this study can contribute to improving methods for teaching Persian grammar to non-native speakers and offer suggestions for designing effective instructional strategies. These suggestions include a greater emphasis on explicit instruction of subject-verb agreement and the use of exercises based on comparisons between Persian and the learners' first languages.

Keywords: subject-verb agreement, Universal Grammar, non-native Persian learners, second language acquisition.

* Received: 18 April 2025 | Accepted: 21 May 2025

¹ Email: mr.tollabi@gmail.com (Corresponding author)

² Email: sahraei@atu.ac.ir

۱. مقدمه

نظریه دستور جهان‌شمول^۱ که پایه‌گذار آن چامسکی بوده است، پیشنهاد می‌کند که توانایی یادگیری زبان یک ظرفیت ذاتی در انسان می‌باشد و از اصول ثابت و پارامترهای متغیر تشکیل شده است که تفاوت‌های بین زبان‌ها را توضیح می‌دهند (چامسکی، ۱۹۸۱). پارامترها در این چارچوب نقش مهمی دارند و تنظیم آنها در ذهن زبان‌آموز مشخص می‌کند که یک زبان از چه ویژگی‌های دستوری برخوردار است (کاین، ۲۰۰۰). این نظریه در زمینه زبان‌دوم‌آموزی نیز کاربرد دارد و فرض می‌کند زبان‌آموزان به دستور جهان‌شمول دسترسی دارند، اما ممکن است عملکردشان تحت تأثیر زبان اول یا عوامل دیگری مانند درونداد زبانی قرار گیرد (وایت، ۲۰۰۳).

میس (۲۰۰۳) اشاره دارد که در مورد زبان فارسی ویژگی‌های دستوری خاصی وجود دارد که برای فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان چالش‌برانگیزند. فارسی یک زبان SOV (فاعل، مفعول و فعل) با پارامتر هسته‌پایان^۲ است و از نظر مطابقت، فعل با فاعل در شخص و شمارش هماهنگ می‌شود مانند «من می‌روم»، «ما می‌رویم»؛ همچنین فارسی یک زبان ضمیرانداز^۳ است، به این معنا که فاعل می‌تواند حذف شود مانند «رفتم» به جای «من رفتم» که این ویژگی به پارامتر بدون فاعل^۴ ربط دارد. به گفته سوان و اسمیت (۲۰۰۱)، زبان‌آموزان با زبان‌اول متفاوت (مانند انگلیسی یا عربی) ممکن است به دلیل تفاوت در این پارامترها، خطاهایی در مطابقت یا استفاده از فاعل داشته باشند.

یکی از چالش‌های اساسی در یادگیری زبان دوم، به‌ویژه در سطوح ابتدائی و پیش‌میانی، نحوه تحقق پارامترهای نحوی و ساختاری زبان مقصد است؛ از جمله این پارامترها، مطابقت فعل و فاعل نقش مهمی در درک و تولید جملات دستوری دارد. در زبان فارسی مطابقت فعل و فاعل براساس ویژگی‌هایی همچون شمار، شخص و در برخی موارد جنسیت تعیین می‌شود. این موضوع از دیدگاه نظریه دستور جهان‌شمول نیز قابل بررسی

1. Universal Grammar
2. head-final
3. pro-drop
4. null subject

است؛ زیرا فرض بر این است که زبان آموزان براساس پارامترهای از پیش تعیین شده زبانی قادر به یادگیری این ویژگی‌ها هستند. با توجه به کلیدی بودن مطابقت فعل و فاعل در نحو زبان فارسی، مسئله اصلی و هدف این پژوهش بررسی چگونگی تحقق پارامترهای زبانی مربوط به مطابقت فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی زبان است. اهمیت این مسئله در این است که تطابق درست فعل و فاعل می‌تواند نشان‌دهنده درک بهتر و کامل‌تری از ساختارهای نحوی فارسی باشد؛ همچنین مقایسه این ساختارها با پارامترهای جهانی فرصتی برای ارزیابی تأثیر زبان مادری و شناخت عمومی زبان آموزان فراهم می‌آورد. در واقع این مطالعه با تحلیل نمونه‌های نوشتاری زبان آموزان در سطوح مقدماتی و پیش‌میان می‌کوشد تا مشخص کند که زبان آموزان تا چه اندازه قادر به پیاده‌سازی درست این پارامترها هستند و چگونه زبان مادری آنها بر این فرآیند اثر می‌گذارد.

با وجود مطالعات فراوان درباره دستور جهان‌شمول و مطابقت فعل و فاعل، می‌توان گفت پژوهش‌های اندکی به‌طور خاص مطابقت فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی زبان را با تمرکز بر پارامترهای دستور جهان‌شمول و مقایسه آن با فارسی معیار بررسی کرده‌اند. این شکاف پژوهشی، نیاز به مطالعه‌ای را نشان می‌دهد که بتواند تأثیر پارامترها، تداخل زبان اول و عوامل دیگر را در این باره تحلیل کند. یافته‌های این پژوهش می‌توانند درک بهتری از چگونگی یادگیری پارامترهای جهانی در زبان آموزان غیرفارسی زبان ارائه دهند و به بهبود روش‌های آموزشی زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم کمک کنند.

پیشینه پژوهش

تطابق فعل و فاعل یکی از مباحث اساسی در دستور زبان فارسی است که در فرآیند یادگیری زبان توسط غیرفارسی‌زبانان اهمیت ویژه‌ای دارد. این موضوع در چارچوب نظریه دستور جهان‌شمول چامسکی قابل بررسی است که بر وجود اصول و پارامترهای مشترک در تمامی زبان‌ها تأکید دارد.

وایت (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان می‌دهد که اصول دستور جهان‌شمول، مانند نیاز به مطابقت ساختاری بین فعل و فاعل در زبان دوم آموزان فعال است، اما تفاوت در تنظیم

پارامترها بین زبان اول و دوم می‌تواند به خطاهایی در تولید زبان بینجامد؛ برای مثال زبان‌هایی که فاعل را حذف نمی‌کنند امکان ندارد موجب شوند که زبان‌آموزان در زبان‌هایی با این مشخصه مانند فارسی با مشکل روبه‌رو شوند؛ از سوی دیگر، گس (۲۰۱۷) تأکید می‌کند که افزون بر دستور جهان‌شمول، عواملی مانند کیفیت درونداد و تعامل نیز می‌توانند بر زبان‌دوم‌آموزی اثرگذار باشند و خطاها را توضیح دهند.

مطالعات پیشین در حوزه یادگیری زبان دوم و دستور جهان‌شمول، به‌ویژه در کتاب وایت (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که مطابقت فاعل و فعل یکی از جنبه‌های دستوری است که تحت تأثیر تفاوت‌های پارامتری بین زبان اول و زبان دوم قرار می‌گیرد. وایت در بررسی‌های خود با اشاره به زبان‌آموزان انگلیسی‌زبان که زبان‌هایی مانند فرانسه یا اسپانیایی را یاد می‌گرفتند، نشان می‌دهد که این زبان‌آموزان در تطبیق ساختارهایی که در زبان اول آنها غایب است، دچار مشکل می‌شوند.

کالینز (۲۰۰۴) به بررسی پارامتر توافق^۱ در چارچوب دستور جهان‌شمول می‌پردازد. این پژوهش با هدف تحلیل نقش پارامتر توافق در تفاوت‌های زبانی و چگونگی کسب آن از سوی زبان‌آموزان انجام شده است. پژوهشگر از داده‌های زبانی متنوعی برای مقایسه زبان‌هایی با ویژگی‌های متفاوت در توافق نحوی استفاده کرده و نشان داده است که این پارامتر چگونه در دستور ذهنی زبان‌آموزان تنظیم می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زبان‌آموزان براساس درونداد زبانی، مقدار این پارامتر را تنظیم کرده و در فرآیند یادگیری زبان دوم ممکن است تحت تأثیر زبان اول خود قرار گیرند. این یافته‌ها به درک بهتری از نقش پارامترهای نحوی در آموزش زبان دوم کمک می‌کند و بر اهمیت درونداد در تنظیم این پارامتر تأکید دارد.

پژوهش رابرتز و هولمبرگ (۲۰۰۵)، یکی از مطالعات کلیدی در حوزه پارامترهای دستور جهان‌شمول است که در مقاله‌ای با عنوان «درباره نقش پارامترها در دستور جهان‌شمول: پاسخی به نیومایر» منتشر شده است. این پژوهش از مدل اصول و پارامترها دفاع

1. Agreement Parameter

می‌کند و نشان می‌دهد که پارامترهای نحوی، مانند وجود یا فقدان توافق، می‌توانند تفاوت‌های بین‌زبانی را توضیح دهند. این پژوهش با بررسی زبان‌های اسکاندیناویایی، نقش این پارامترها را در ویژگی‌هایی چون سوژه‌های صفر و جابه‌جایی فعل نشان داده و به یادگیری پارامترها در زبان‌آموزی نیز اشاره کرده‌اند. این چارچوب نظری می‌تواند به شناسایی الگوهای خطای ناشی از تنظیم نادرست پارامترها در نوشتار فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان، به‌ویژه با توجه به تأثیر زبان مادری‌شان کمک کند.

هولمبرگ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی نقش پارامترهای دستور جهان‌شمول در توضیح تفاوت‌های نحوی میان زبان‌های اسکاندیناوی جزیره‌ای (مانند ایسلندی) و سرزمین اصلی (مانند سوئدی) پرداخته است. او با بازنگری نظریه پیشین خود استدلال می‌کند که ویژگی‌هایی چون توافق فاعل — فعل به‌عنوان یک پارامتر عمل می‌کند. در این پژوهش هولمبرگ نشان می‌دهد که این پارامتر که با چارچوب کمینه‌گرا سازگار است، طیف وسیعی از آثار سطحی را در نحو ایجاد می‌کند و از راه مقایسه با زبان‌هایی مانند فنلاندی تأیید می‌شود.

ساتو و کریمی (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی ساختار توافق در چارچوب دستور جهانی و تأثیر آن بر یادگیری زبان دوم می‌پردازند. در این پژوهش با استفاده از داده‌های زبان‌آموزان، روش تحلیلی مبتنی بر مقایسه میان‌زبانی به کار گرفته شده است تا نقش پارامترهای نحوی در پردازش و تولید ساختارهای توافق بررسی شود. هدف پژوهش درک چگونگی تنظیم پارامتر توافق در ذهن زبان‌آموزان و تأثیر زبان اول بر یادگیری این مقوله در زبان دوم است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان درونداد زبانی و ویژگی‌های ساختاری زبان مادری می‌تواند بر تنظیم این پارامتر در زبان دوم اثرگذار باشد. این نتایج به درک بهتری از فراگیری دستور زبان دوم و چگونگی دسترسی زبان‌آموزان به دستور جهانی کمک می‌کند. ریتونگا (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر دستور جهان‌شمول بر فرآیند زبان‌دوم‌آموزی پرداخته است. او با مقایسه یادگیری زبان اول و دوم استدلال می‌کند UG،

که در زبان اول از طریق یک دستگاه ذاتی یادگیری زبان^۱ نقشی کلیدی دارد، در زبان دوم آموزی تأثیر محدودی ایفا می‌کند و یادگیری زبان دوم بیشتر به مکانیزم‌های عمومی و عواملی مانند انگیزه، سن و سبک یادگیری وابسته است. سیلیتونگا با مرور نظریه‌هایی مانند دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به UG و تحلیل تفاوت‌هایی مانند فسیل سازی و موفقیت متغیر در زبان دوم نشان می‌دهد که پارامترهای UG در زبان دوم آموزی به‌طور کامل فعال نیستند. این مطالعه می‌تواند زمینه‌ای نظری برای بررسی خطاهای توافق فاعل و فعل در نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان فراهم کند و نقش پارامترهای UG را در مقایسه با تأثیرات زبان مادری و شرایط یادگیری آنها روشن سازد.

چی و لی (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر دستور جهان‌شمول بر زبان دوم آموزی با تمرکز بر پارامترهایی مثل مطابقت فاعل و فعل می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل کیفی، خطاهای زبان آموزان چینی‌زبان انگلیسی را بررسی کرده و نشان داده که ۸۰/۶٪ خطاها به دلیل انتقال منفی زبان اول (نبود صرفه فعل در چینی) در توافق دستوری رخ می‌دهد. هدف مقاله تبیین این موضوع بود که UG با ارائه اصول ذاتی و تنظیم پارامترها از راه شواهد محیطی، زبان دوم آموزی را تسهیل می‌کند و تفاوت زبان اول و دوم بر این فرایند اثر دارد. نتیجه‌گیری تأکید می‌کند که UG حتی در بزرگسالی در دسترس است و زبان دوم آموزان دانشی فراتر از درونداد نشان می‌دهند.

شنگ و کوی (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی نقش دستور جهان‌شمول در مطالعات زبان دوم آموزی پرداخته‌اند. این پژوهش مروری، UG را به‌عنوان یک دستگاه ذاتی یادگیری زبان معرفی می‌کند که انسان را قادر به کسب زبان مادری با درونداد محدود می‌سازد و تأثیرات آن را بر نظریه‌هایی چون فرضیه دوره بحرانی، شایستگی زبانی، میان‌زبان و تفاوت‌های فردی و خارجی زبان آموزان بررسی می‌کند. نویسندگان در این پژوهش نشان می‌دهند که UG، اگرچه در اصل برای زبان اول طراحی شده، چارچوبی برای تحلیل

1. LAD

فرآیندهای یادگیری زبان دوم از جمله تحلیل خطاها و نقش انتقال زبان مادری فراهم کرده است.

به طور خاص پژوهش‌های محدودی به بررسی چگونگی یادگیری و تولید ساختارهای تطابق فعل و فاعل از سوی فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان پرداخته‌اند و این پژوهش با الهام از مطالعات پیشین به بررسی این موضوع در زبان فارسی به عنوان زبان دوم می‌پردازد و این موضوع را بررسی می‌کند که آیا فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان با پیشینه‌های زبانی متنوع مانند زبان‌های ضمیرانداز یا غیر ضمیرانداز در مطابقت فاعل و فعل دچار مشکل می‌شوند و این مشکلات چگونه با پارامترهای UG مرتبط است. این پژوهش با تمرکز بر تحلیل دست‌نوشته‌های فارسی‌آموزان از ملیت‌های مختلف در پر کردن این خلأ پژوهشی تلاش دارد و به دنبال درک بهتری از تأثیر زبان مادری بر یادگیری ساختارهای دستوری زبان فارسی است.

چارچوب نظری

نظریه دستور جهان‌شمول پایه نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد و بر این ایده استوار است که زبان‌آموزان از اصول و پارامترهای ذاتی برای فراگیری زبان استفاده می‌کنند. دستور جهانی شامل مجموعه‌ای از اصول و پارامترها است که ساختارهای زبانی را تعریف می‌کنند. اصول به ویژگی‌های مشترک در همه زبان‌ها اشاره دارند؛ درحالی‌که پارامترها به تمایزات خاص در زبان‌ها می‌پردازند و نحوه تنظیم این اصول را براساس زبان خاص تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر پارامترها تعیین می‌کنند که چگونه زبان‌ها از اصول جهانی بهره‌برداری می‌کنند. وایت (۲۰۰۳) استدلال می‌کند که زبان‌دوم‌آموزان به UG دسترسی دارند و فرضیه‌هایی مانند «دسترسی کامل» یا «دسترسی ناقص» را بررسی می‌کند، اما باید پارامترهای آن را براساس زبان مقصد تنظیمی دوباره کنند. او به نقش انتقال^۱ از زبان اول اشاره می‌کند که می‌تواند در ساختارهایی مانند مطابقت فاعل و فعل به خطاهایی بینجامد. در این مطالعه فرض بر این است که فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان با پیشینه‌های زبانی متنوع به دلیل تفاوت

1. Transfer

در تنظیم پارامترهایی مانند الزام به فاعل صریح یا حذف‌پذیری فاعل ممکن است در نوشتار خود با چالش‌هایی در زمینه مطابقت روبه‌رو شوند که این چارچوب به تحلیل آنها کمک می‌کند.

برای گسترش این دیدگاه، رابرتز (۲۰۰۵) با تحلیل زبان ولزی نشان می‌دهد که پارامترها و مکانیزم‌های مطابقت چگونه ساختارهای دستوری را شکل می‌دهند. در تکمیل این بحث، کریمی (۲۰۰۵) با تمرکز بر زبان فارسی، ویژگی‌های نحوی مانند ترتیب واژه‌ای پایه (SOV) و انعطاف در جابه‌جایی اجزای جمله را بررسی می‌کند. کریمی استدلال می‌کند که در زبان فارسی مطابقت فاعل و فعل تحت تأثیر عواملی مانند جایگاه فاعل و قواعد گفتمانی است که به تنظیم پارامترهای UG وابسته‌اند. ترکیب دیدگاه‌های وایت، رابرتز و کریمی در این پژوهش، امکان تحلیل جامعی از تأثیر پارامترهای UG بر مشکلات مطابقت فاعل و فعل در نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان را فراهم می‌کند.

یکی از مفاهیم مهم در یادگیری زبان دوم، انتقال زبانی است. انتقال زبانی به معنای استفاده از ویژگی‌های زبان مادری در زبان دوم است که می‌تواند به صورت انتقال مثبت یا انتقال منفی بروز یابد. انتقال مثبت زمانی اتفاق می‌افتد که ویژگی‌های دستوری زبان مادری مشابه زبان دوم باشد؛ درحالی‌که انتقال منفی زمانی رخ می‌دهد که تفاوت‌های دستوری سبب بروز خطاهای زبانی در زبان آموز شود.

در زبان‌هایی مانند انگلیسی یا چینی، تطابق فعل و فاعل به‌ویژه در جملات مرکب از زبان فارسی متفاوت است؛ برای مثال در انگلیسی و در جملات مرکب، افعال اغلب مستقل از فاعل اصلی تطابق می‌یابند. در چینی تطابق فعل و فاعل معمولاً براساس ویژگی‌های شمار و شخص اعمال نمی‌شود؛ بنابراین فارسی‌آموزانی که زبان مادری‌شان این ویژگی‌ها را ندارند ممکن است در پیاده‌سازی تطابق‌های نحوی در زبان فارسی با مشکلاتی روبه‌رو شوند.

در این پژوهش، توجه ویژه‌ای به تأثیر زبان مادری بر استفاده از پارامترهای جهانی در تطابق فعل و فاعل در زبان فارسی خواهد شد؛ همچنین بررسی میزان انتقال منفی و مثبت در زبان‌آموزانی که زبان مادری‌شان با زبان فارسی تطابق‌های نحوی مشابه ندارد، می‌تواند نتایج

مفیدی را به همراه داشته باشد. در این پژوهش فرض بر این است که فارسی آموزان غیرفارسی زبان ممکن است به دلیل تفاوت در تنظیم پارامترهای UG بین زبان مادری شان و فارسی و در مطابقت فاعل و فعل با چالش‌هایی روبه‌رو شوند؛ برای مثال زبان‌هایی که ضمیراندازی را مجاز می‌دانند (مانند عربی یا اسپانیایی)، ممکن است الگوهای متفاوتی را در مقایسه با زبان‌هایی مانند انگلیسی که فاعل صریح الزامی است به نوشتار فارسی منتقل کنند. این چارچوب نظری به تحلیل داده‌های این مطالعه جهت می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین پارامترهایی که در این پژوهش بررسی می‌شود، پارامترهای مربوط به تطابق فعل و فاعل هستند که براساس ویژگی‌های شخص، شمار و جنسیت تنظیم می‌شوند؛ در واقع زبان‌ها به‌طور متفاوتی این ویژگی‌ها را پیاده‌سازی می‌کنند و این تفاوت‌ها می‌توانند در فرآیند یادگیری زبان دوم اثرگذار باشند. درنهایت، این پژوهش به‌طور خاص به تحلیل تطابق فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی زبان در سطوح مختلف می‌پردازد و تلاش می‌کند تا میزان همخوانی این تطابق‌ها با زبان فارسی معیار و پارامترهای جهانی را ارزیابی کند. این تحلیل شامل بررسی جملات ساده و مرکب می‌باشد که مشخص شود زبان آموزان چقدر توانسته‌اند پارامترهای جهانی تطابق فعل و فاعل را در زبان فارسی درک و در نوشتار خود به‌درستی پیاده‌سازی کنند.

برای این پژوهش، پارامترهای زیر در نظر گرفته می‌شوند:

۱. **پارامتر بدون فاعل:** فارسی یک زبان ضمیرانداز است، یعنی فاعل می‌تواند حذف شود (مانند "خوندم" به جای "من خوندم"). زبان آموزانی با زبان اول غیرضمیرانداز (مثل انگلیسی) ممکن است فاعل را بیش از حد استفاده کنند یا برعکس، در مواردی که لازم است فاعل را حذف نکنند.

۲. **پارامتر جهت‌مندی هسته^۱:** فارسی زبانی هسته‌پایان با ترتیب SOV است؛ این امر می‌تواند برای زبان آموزانی با زبان اول هسته‌آغاز^۲ مانند انگلیسی با SVO موجب خطا در ترتیب اجزای جمله یا مطابقت شود.

1. Head-Directionality

2. Head-initial

۳. **ویژگی‌های مطابقت^۱:** در فارسی فعل با فاعل در شخص و شماره مطابقت دارد (مانند "من می‌روم"، "ما می‌رویم"). تفاوت در سیستم مطابقت زبان اول (مانند عربی که جنسیت هم دارد) می‌تواند به خطا بینجامد.

این چارچوب فرض می‌کند که مشکلات در مطابقت فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان می‌تواند به تأثیر پارامترهای UG و تنظیم نادرست پارامترها مانند استفاده نادرست از null-subject، تداخل زبان مادری و انتقال ویژگی‌های دستوری از زبان اول مانند اجبار به استفاده از فاعل در زبان‌های غیرضمیرانداز و یا عوامل دیگری مانند درونداد ناکافی، سطح مهارت زبانی و یا پیچیدگی جمله برگردد.

روش‌شناسی

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل میزان همخوانی ساختارهای دستوری فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان با معیارهای زبان فارسی و پارامترهای جهانی است؛ این تحلیل شامل بررسی تطابق فعل و فاعل در جملات ساده و مرکب می‌باشد که مشخص شود زبان آموزان چقدر از اصول دستور جهانی برای ساختارهای نحوی زبان فارسی استفاده کرده‌اند.

پرسش‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) تا چه اندازه فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان قادر به رعایت پارامترهای دستور جهان‌شمول در مطابقت فعل و فاعل در نوشتار خود هستند؟
- ۲) زبان مادری فارسی آموزان چگونه بر الگوهای مطابقت فعل و فاعل آنها در نوشتار تأثیر می‌گذارد؟
- ۳) آیا سطح زبانی (مبتدی یا پیش‌میان) بر میزان تثبیت پارامترهای مرتبط با مطابقت فعل و فاعل تأثیر دارد؟
- ۴) آیا تأثیر زبان مادری بر مطابقت فعل و فاعل در فارسی آموزان، بسته به نوع زبان مادری (ضمیرانداز یا غیرضمیرانداز) متفاوت است؟

این پژوهش از نوع کیفی و هدف آن تحلیل داده‌های زبانی در زمینه تطابق فعل و فاعل در نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان است. در این نوع از پژوهش به‌جای تکیه بر جمع‌آوری داده‌های کمی و تحلیل آماری بر درک مفاهیم و ویژگی‌های زبان‌شناسی و بررسی فرآیند یادگیری تلاش می‌کند. پژوهش حاضر به‌طور خاص به تحلیل دست‌نوشته‌ها و ساختارهای نحوی فارسی آموزان و به ارزیابی میزان تطابق پارامترهای جهانی و زبان فارسی با این ساختارها می‌پردازد.

روش به‌کاررفته در این پژوهش از نوع تحلیل داده‌های نوشتاری است. این تحلیل به‌صورت مقایسه‌ای و تطبیقی انجام خواهد شد و شامل بررسی جملات نوشته‌شده از سوی فارسی آموزان در مقایسه با زبان فارسی معیار و پارامترهای دستور جهانی است. در این راستا داده‌ها با استفاده از اصول نظریه دستور جهانی تحلیل می‌شوند. هدف از این تحلیل، بررسی این موبضوع است که آیا فارسی آموزان در سطوح مختلف توانسته‌اند پارامترهای جهانی تطابق فعل و فاعل را در نوشتار خود پیاده‌سازی کنند یا خیر.

جامعه آماری در این پژوهش، فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان در دو سطح مبتدی و پیش‌میان می‌باشند؛ این زبان آموزان از ملیت‌های مختلف (آذربایجان، اسپانیا، پاکستان، کره جنوبی و...) انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌های نوشتاری فارسی آموزان به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. این نمونه‌ها در قالب تکلیف کلاسی یا آزمون‌های نوشتاری از زبان آموزان جمع‌آوری می‌شوند و شامل جملات ساده و مرکب هستند تا تطابق فعل و فاعل در انواع مختلف جملات بررسی شود.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه دستور جهان‌شمول انجام خواهد شد؛ در این مرحله جملات نوشتاری فارسی آموزان با توجه به ویژگی‌های شخص، شمار و جنسیت و دیگر ویژگی‌های پارامترهای جهانی و دستور زبان فارسی بررسی می‌شوند؛ همچنین برای تحلیل تطابق فعل و فاعل در جملات بررسی خواهد شد که آیا افعال مختلف در جملات مرکب با فاعل اصلی و فاعل‌های جملات وابسته تطابق دارند یا خیر.

تحلیل داده‌ها شامل مراحل زیر خواهد بود:

(۱) شناسایی خطاها و انحرافات: جملاتی که در آنها تطابق فعل و فاعل نادرست است شناسایی خواهند شد.

(۲) تحلیل تطابق شخص و شمار: در جملات ساده و مرکب بررسی می‌شود که آیا فعل با فاعل از نظر شخص و شمار همخوانی دارد یا خیر.

(۳) مقایسه با فارسی معیار: بررسی می‌شود که تا چه حد جملات فارسی آموزان با زبان فارسی معیار تطابق دارند.

(۴) بررسی تأثیر زبان مادری: ارتباط خطاها و انحرافات با ویژگی‌های دستوری زبان مادری زبان آموزان بررسی می‌شود.

برای افزایش اعتبار درونی، تمام جملات نمونه در این پژوهش از دست‌نوشته‌های واقعی فارسی آموزان به‌دست آمده‌اند که نشان‌دهنده تولید واقعی زبان است و نه جملات ساختگی یا ترجمه‌شده؛ این رویکرد سبب می‌شود که نتایج پژوهش بیشتر با واقعیت زبان‌آموزی همخوانی داشته باشد و نیز نمونه‌ها به‌طور دقیق از فارسی آموزان در سطوح مختلف انتخاب شده‌اند، بنابراین هیچ انتخاب تصادفی یا جانبدارانه‌ای در انتخاب جملات وجود ندارد.

برای تضمین روایی خارجی نیز تنوع ملیتی نمونه‌ها در نظر گرفته شده است. برای بررسی تأثیر زبان‌های مادری مختلف، نمونه‌ها از ملیت‌های مختلف (شامل آذربایجان، اسپانیا، پاکستان، کره جنوبی و...) جمع‌آوری شده است. این تنوع جغرافیایی و زبانی کمک می‌کند تا پژوهش نتایج خود را به جمعیت‌های گسترده‌تری تعمیم دهد. مورد دیگر مقایسه جملات زبان آموزان با فارسی معیار است. این مقایسه می‌تواند به ارزیابی این موضوع کمک کند که چگونه ساختارهای نحوی در زبان آموزان با معیارهای زبان فارسی انطباق دارند.

برای اطمینان از پایایی پژوهش، تمام جمله‌ها از نظر تطابق فعل و فاعل تحلیل شده، معیارهایی برای شناسایی انواع خطاهای نحوی به دقت تعیین شده است. این فرآیند تحلیل به‌گونه‌ای انجام شد که در بررسی‌های آینده نیز نتایج مشابهی حاصل شود.

تحلیل نمونه‌ها

در این بخش، نمونه‌های نوشتاری فارسی آموزان از ملیت‌های مختلف بررسی می‌شود تا چگونگی مطابقت فعل و فاعل در جملات آنها تحلیل گردد. داده‌های پژوهش از دست‌نوشته‌های زبان آموزان در سطوح مقدماتی و پیش‌میانی گردآوری شده است. در تحلیل این نمونه‌ها پارامتر جهانی، میزان تطابق جملات با فارسی معیار و تأثیر احتمالی زبان مادری بر ساخت جملات در نظر گرفته شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که برخی از فارسی آموزان به دلیل انتقال ساختارهای زبانی از زبان مادری خود در تطبیق درست فعل و فاعل دچار چالش‌هایی می‌شوند. در ادامه نمونه‌ها به تفکیک زبان مادری بررسی خواهند شد.

۱. ملیت: آذربایجان - زبان: آذری

جمله اول: یک روز مادرش علی سرما خورد.

پارامتر جهانی: فعل «سرما خورد» با فاعل (سوم شخص مفرد) تطابق دارد. ترتیب واژگان غیرمعمول است و برخلاف فارسی معیار است.

فارسی معیار: در فارسی معیار، ترتیب درست این جمله «یک روز مادر علی سرما خورد» است. جایگاه «علی» (مضاف‌الیه) جابه‌جا شده است.

ارتباط با زبان مادری: در زبان آذری، ترتیب اجزای جمله انعطاف‌پذیرتر است. در برخی موارد فاعل و مضاف‌الیه می‌توانند جابه‌جا شوند.

جمله دوم: مادرش علی به پول داد که علی به بازار برود.

پارامتر جهانی: تطابق فعل «داد» با فاعل درست است، اما جایگاه مفعول مشکل دارد. جمله وابسته «که علی به بازار برود» درست است.

فارسی معیار: در فارسی معیار باید جمله «مادر علی به او پول داد تا علی به بازار برود» باشد. حذف ضمیر مناسب سبب ابهام شده است.

ارتباط با زبان مادری: در زبان آذری، ترتیب فعل — فاعل — مفعول وجود دارد و حذف ضمیر رایج است.

۲. ملیت: اسپانیا - زبان: اسپانیایی

جمله اول: خانواده‌ام در مادرید زندگی می‌کند.

پارامتر جهانی: فاعل «خانواده‌ام» مفرد است، اما در فارسی به‌عنوان یک گروه جمعی در نظر گرفته می‌شود و فعل باید «زندگی می‌کنند» باشد.

فارسی معیار: فعل باید با شمار فاعل مطابقت داشته باشد.

ارتباط با زبان مادری: در اسپانیایی، "mi familia" به‌عنوان مفرد در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین این اشتباه از انتقال زبانی نشئت گرفته است.

جمله دوم: دلیل برای یادگرفتن زبان فارسی است که فرهنگ قدیمی ایران خیلی دوست دارم.

پارامتر جهانی: ساختار جمله ناقص است، جایگاه فاعل و مفعول مشخص نیست.

فارسی معیار: جمله درست: «دلیل یادگرفتن زبان فارسی این است که فرهنگ قدیمی ایران را خیلی دوست دارم».

ارتباط با زبان مادری: در اسپانیایی، ترتیب جمله و توضیح علت متفاوت است.

جمله سوم: برای من دست آوردن پول لازم نیست.

پارامتر جهانی: جایگاه مفعول و مسند نادرست است.

فارسی معیار: ساختار درست: «به دست آوردن پول برای من لازم نیست».

ارتباط با زبان مادری: ترتیب واژه‌ها در اسپانیایی سبب این اشتباه شده است.

۳. ملیت: چین - زبان: چینی

جمله اول: (ما) برای آشنا با یک کشور یا بررسی یک کشور باید زبان آن کشور بلد باشند.

پارامتر جهانی: عدم تطابق فعل و فاعل، فعل نادرست استفاده شده است.

فارسی معیار: جمله درست: «برای آشنایی با یک کشور یا بررسی آن باید زبان آن کشور را بلد باشیم».

ارتباط با زبان مادری: در چینی، ترتیب جمله و استفاده از افعال متفاوت است.

جمله دوم: بتوانند مقاله‌ها یا اخبار یا کتاب‌ها بخوانیم.

پارامتر جهانی: ناسازگاری بین فاعل و فعل ("توانند" در مقابل "بخوانیم").
فارسی معیار: جمله درست: «توانیم مقاله‌ها، اخبار یا کتاب‌ها را بخوانیم».
ارتباط با زبان مادری: در زبان چینی، افعال کمتر صرف می‌شوند که موجب این اشتباه شده است.

۴. ملیت: پاکستان - زبان: اردو
جمله: دانشجوها باید یاد بگیرد که چه‌طور مطالعه می‌کنید.
پارامتر جهانی: عدم تطابق بین «دانشجوها» و «یاد بگیرد».
فارسی معیار: جمله درست: «دانشجوها باید یاد بگیرند که چگونه مطالعه کنند».
ارتباط با زبان مادری: در زبان اردو، ساختار فعل پیچیده‌تر است و سبب این اشتباه شده است.

۵. ملیت: بحرین - زبان: عربی
جمله: خانواده‌ام در بحرین زندگی می‌کنم.
پارامتر جهانی: عدم تطابق بین فاعل و فعل.
فارسی معیار: جمله درست: «خانواده‌ام در بحرین زندگی می‌کنند».
ارتباط با زبان مادری: در عربی، زمان و شخص فعل متفاوت است که موجب این اشتباه شده است.

۶. ملیت: موریتانی - زبان: عربی
جمله: مراسم ازدواج در موریتانیا یکی از غریب‌ترین مراسم ازدواج در جهان است.
پارامتر جهانی: ساختار درست است.
فارسی معیار: واژه «غریب‌ترین» نادرست و «عجیب‌ترین» مناسب‌تر است.
ارتباط با زبان مادری: در عربی، «غریب» معنای «عجیب» دارد که سبب این انتقال زبانی شده است.

۷. ملیت: کره جنوبی - زبان: کره‌ای

جمله: قبل از آمدن ایران، من زبان فارسی درس نخوانم.

پارامتر جهانی: عدم تطابق فعل با فاعل.

فارسی معیار: جمله درست: «قبل از آمدن به ایران، من زبان فارسی نخوانده بودم».

ارتباط با زبان مادری: در کره‌ای، گذشته کامل با فارسی متفاوت است.

۸. ملیت: استرالیا - زبان: انگلیسی

جمله: می‌خواهم در آینده ادامه تحصیل بدهم، شاید فوق لیسانس را انجام بدهم.

پارامتر جهانی: «انجام بدهم» نادرست است.

فارسی معیار: جمله درست: «می‌خواهم در آینده ادامه تحصیل بدهم. شاید فوق لیسانس بگیرم».

ارتباط با زبان مادری: در انگلیسی "do a master's degree" رایج است که سبب این خطا شده است.

نتایج تأیید می‌کنند که فارسی‌آموزان اصول UG را درک می‌کنند، اما تنظیم پارامترها و توافق تحت‌تأثیر زبان اول است (وایت، ۲۰۰۳). زبان‌های بدون تصریف (مانند چینی) خطاهای بیشتری در تطابق نشان دادند (هولمبرگ، ۲۰۱۰). زبان‌های ضمیرانداز (مانند عربی) با پارامتر مشابه فارسی سازگارتر بودند، اما ترتیب SOV چالش ایجاد کرد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش چی و لی (۲۰۲۳) هم‌راستا است که انتقال منفی زبان‌اول را عامل اصلی خطاها می‌دانند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطابق فعل و فاعل در نوشتار فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان، براساس نظریه دستور جهانی چامسکی و اصول و پارامترهای آن انجام شد. نتایج نشان داد که زبان‌آموزان بسته به زبان مادری خود، چالش‌های متفاوتی در رعایت این ساختار دستوری دارند. برخی از خطاهای رایج شامل عدم تطابق شمار، جابه‌جایی جایگاه فاعل و مفعول، و

حذف یا استفاده نادرست از ضمائر بود. این خطاها در چارچوب نظریه UG قابل تبیین هستند؛ زیرا نشان‌دهنده تثبیت ناقص برخی پارامترهای زبانی در فارسی‌آموزان است.

۱. پاسخ به پرسش‌های پژوهش

— تا چه اندازه فارسی‌آموزان غیرایرانی قادر به رعایت پارامترهای دستور جهان‌شمول در مطابقت فعل و فاعل در نوشتار خود هستند؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که فارسی‌آموزان در رعایت مطابقت فعل و فاعل با چالش‌هایی روبه‌رو هستند، به‌ویژه در ساختارهای پیچیده. میزان موفقیت آنها بستگی به شباهت‌های زبان مادری‌شان با فارسی دارد.

— چگونه زبان مادری فارسی‌آموزان بر الگوهای مطابقت فعل و فاعل آنها در نوشتار تأثیر می‌گذارد؟ تأثیر زبان مادری آشکار است. فارسی‌آموزانی که زبان مادری‌شان دارای ویژگی‌های ضمیرانداز است، در برخی از ساختارها راحت‌تر پارامترهای مطابقت را به کار می‌برند؛ اما کسانی که زبان مادری‌شان غیرضمیرانداز است، گاهی در درج ضمائر یا هماهنگی فعل و فاعل دچار خطا می‌شوند.

— آیا سطح زبانی (مبتدی یا پیش‌میانی) بر میزان تثبیت پارامترهای مرتبط با مطابقت فعل و فاعل تأثیر دارد؟ بله، داده‌ها نشان می‌دهند که زبان‌آموزان در سطح پیش‌میانی عملکرد بهتری در تطابق فعل و فاعل دارند. این امر نشان می‌دهد که با پیشرفت در یادگیری زبان، درک آنها از این پارامترها بهبود می‌یابد، اما برخی چالش‌ها همچنان باقی می‌مانند.

— آیا تأثیر زبان مادری بر مطابقت فعل و فاعل در فارسی‌آموزان، بسته به نوع زبان مادری (ضمیرانداز یا غیرضمیرانداز) متفاوت است؟ بله، زبان‌های ضمیرانداز (مانند اسپانیایی و عربی) معمولاً سبب می‌شوند که زبان‌آموزان راحت‌تر ساختارهای حذف ضمیر را در فارسی بپذیرند، اما در برخی موارد موجب حذف بیش از حد ضمائر می‌شود؛ در مقابل، فارسی‌آموزانی با زبان مادری غیرضمیرانداز (مانند انگلیسی) تمایل دارند ضمائر فاعلی را بیش از حد در جملات فارسی حفظ کنند که گاه به ساختارهای نادرستی می‌انجامد.

۲. تحلیل یافته‌ها و تأثیر زبان مادری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان در تولید جملات فارسی، به‌ویژه در تطابق فعل و فاعل، ترتیب واژگان و ساختار جملات مرکب با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. این چالش‌ها اغلب ناشی از انتقال زبانی از زبان مادری آنهاست. به‌طور مشخص زبان‌آموزانی که زبان مادری آنان تصریف‌پذیری بالایی دارد (مانند اسپانیایی و عربی)، معمولاً در تطابق فعل و فاعل عملکرد بهتری دارند؛ زیرا این ویژگی در زبان مادری آنها نیز وجود دارد. در مقابل، زبان‌آموزانی که زبان آنها فاقد سیستم تصریفی قوی است (مانند چینی و کره‌ای)، در استفاده درست از شناسه‌های فعلی و رعایت تطابق فعل و فاعل دچار مشکل هستند.

افزون بر این، برخی از اشکالات در ترتیب اجزای جمله نشان می‌دهد که فارسی‌آموزان ساختار نحوی زبان مادری خود را به زبان فارسی انتقال داده‌اند؛ برای مثال در برخی از نمونه‌ها جایگاه فاعل، مفعول یا قید مطابق با زبان فارسی نیست و احتمالاً تحت تأثیر الگوهای واژگانی زبان مادری تغییر کرده است. این مسئله با توجه به پارامترهای جهانی نشان می‌دهد که زبان‌آموزان هنوز پارامترهای خاص زبان فارسی را به‌درستی تنظیم نکرده‌اند و همچنان از پارامترهای زبان اول خود استفاده می‌کنند.

۳. نقش نظریه دستور جهانی (UG) در تبیین یافته‌ها

براساس نظریه دستور جهان‌شمول، تمام زبان‌ها از یک‌سری اصول مشترک پیروی می‌کنند، اما پارامترهای زبانی ممکن است از زبانی به زبان دیگر تفاوت داشته باشند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که زبان‌آموزان اصول کلی دستور زبان را درک کرده‌اند، اما در تنظیم پارامترهای خاص زبان فارسی مانند ترتیب واژگان و نشانگرهای تصریفی دچار مشکل هستند. این مسئله از این نظریه حمایت می‌کند که برخی از ویژگی‌های زبانی نیازمند درونداد زبانی کافی هستند تا در ذهن زبان‌آموز تثبیت شوند؛ در واقع برای آن دسته از فارسی‌آموزانی که زبان مادری آنها تطابق فعل و فاعل را به‌شکل متفاوتی نشان می‌دهد، این فرایند نیاز به آموزش بیشتر و درونداد تقویت‌شده دارد.

۴. پیامدهای آموزشی و کاربردی پژوهش

با توجه به یافته‌های این پژوهش، چند راهکار آموزشی برای بهبود یادگیری مطابقت فعل و فاعل در فارسی آموزان غیرفارسی زبان پیشنهاد می‌شود:

- **آموزش صریح و مقایسه‌ای:** مدرسان زبان فارسی می‌توانند با مقایسه سیستم مطابقت فعل و فاعل در فارسی و زبان مادری زبان‌آموزان، درک بهتری از تفاوت‌های ساختاری ایجاد کنند. این مقایسه به‌ویژه برای زبان‌آموزانی که زبان مادری‌شان فاقد نشانه‌های صریح برای مطابقت است، مفید خواهد بود.
 - **تمرین‌های تعاملی و بازخورد اصلاحی:** ارائه تمرین‌هایی که زبان‌آموزان را وادار به اصلاح خطاهای خود کند می‌تواند تأثیر قابل توجهی داشته باشد؛ برای مثال مدرسان می‌توانند از فعالیت‌هایی مانند تکمیل جمله، تصحیح متون نادرست و بازنویسی جمله با تأکید بر تطابق فعل و فاعل استفاده کنند.
 - **استفاده از درونداد غنی:** قرار دادن زبان‌آموزان در معرض جمله‌های درست و متنوع در قالب خواندن و شنیدن می‌تواند به تقویت درک ناخودآگاه از قواعد کمک کند. مواد آموزشی باید شامل نمونه‌هایی از جمله‌های درست با تأکید بر تطابق فعل و فاعل باشد.
 - **پرداختن به مشکلات خاص:** از آنجا که مشکلات فارسی‌آموزان از زبان‌های مختلف الگوهای متفاوتی دارند، طراحی فعالیت‌هایی که مستقیم بر روی این تفاوت‌ها متمرکز باشد، مؤثرتر خواهد بود.
 - **تقویت مهارت نوشتاری از راه بازخورد هدفمند:** مدرسان می‌توانند با بازخوردهای مشخص زبان‌آموزان را به شناخت الگوهای نادرست و اصلاح آنها هدایت کنند.
- اجرای این راهکارها می‌تواند به بهبود مهارت نوشتاری فارسی‌آموزان کمک کند و درک عمیق‌تری از قواعد نحوی زبان فارسی را در آنها تقویت نماید.

۵. محدودیت‌های پژوهش

با وجود یافته‌های این پژوهش، برخی محدودیت‌ها وجود دارند که باید در نظر گرفته شوند؛ اگرچه پژوهش از ملیت‌های مختلف استفاده کرده است، اما شاید تعداد محدود آنها برای تعمیم نتایج کافی نباشد. ممکن است تفاوت‌های فردی در یادگیری زبان تأثیرگذار بوده، و نتایج در سطوح زبانی بالاتر یا پایین‌تر متفاوت باشد. این پژوهش صرفاً بر نوشتار تمرکز داشته، و ممکن است عملکرد زبان‌آموزان در تولید گفتاری تفاوت داشته باشد.

۶. پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده

- با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش، موارد زیر می‌توانند در پژوهش‌های آینده بررسی شوند:
- گسترش دامنه پژوهش: بررسی فارسی‌آموزان از زبان‌های دیگر برای مقایسه الگوهای تطابق فعل و فاعل؛
- بررسی تطابق در مهارت گفتاری: تحلیل اشتباهات فارسی‌آموزان در تولید شفاهی و مقایسه آن با نوشتار؛
- تأثیر آموزش هدفمند: بررسی تأثیر آموزش‌های خاص بر بهبود توانش فارسی‌آموزان در زمینه تطابق فعل و فاعل.

۷. نتیجه‌گیری کلی

این پژوهش نشان می‌دهد که فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان بسته به ویژگی‌های زبان مادری خود در بخش‌های مختلف دستور زبان فارسی با چالش‌های متفاوتی روبه‌رو هستند. یافته‌ها از نظریه دستور جهانی چامسکی حمایت می‌کنند و نشان می‌دهند که زبان‌آموزان اصول کلی زبانی را درک کرده‌اند، اما در تنظیم پارامترهای خاص زبان فارسی هنوز به درونداد کافی نیاز دارند. از نظر کاربردی، این نتایج می‌تواند به توسعه روش‌های آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان کمک کند و راهکارهایی برای بهبود آموزش تطابق فعل و فاعل ارائه دهد. توجه به این نکات می‌تواند روند آموزش را مؤثرتر و کارآمدتر و مسیر یادگیری زبان فارسی را برای زبان‌آموزان هموارتر سازد.

منابع

- Chi, Y. & Li, M. (2023). The role of universal grammar in second language acquisition. 2023, *International Conference on Education, Management, Economics and Social Science (ICEMESS 2023)*. Clausius Scientific Press.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on Government and Binding: The Pisa Lectures*. Dordrecht: Foris Publications.
- Collins, C. (2004). The agreement parameter. *Triggers*, 75, 115-136.
- Gass, S. M. (2017). *Input, Interaction, and the Second Language Learner* (2nd ed.). New York: Routledge. DOI: 10.4324/9781315173252
- Holmberg, A. (2010). Parameters in minimalist theory: The case of Scandinavian. *Theoretical Linguistics*, 36(1), 1-48. <https://doi.org/10.1515/thli.2010.001>
- Karimi, S. (2005). *A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian*. Mouton de Gruyter.
- Kayne, R. S. (2000). *Parameters and Universals*. Oxford: Oxford University Press.
- Mace, J. (2003). *Persian Grammar: For Reference and Revision*. London: RoutledgeCurzon.
- Ritonga, M. E. (2022). The Role in SLA played by Universal Grammar. *Journal of Applied Linguistics*, 2(1), 23-29. <https://doi.org/10.52622/joal.v2i2.76>
- Roberts, I. & Holmberg, A. (2005). On the role of parameters in Universal Grammar: A reply to Newmeyer. *Organizing grammar: Linguistic studies in honor of Henk van Riemsdijk*, 538-553.
- Roberts, I. G. (2005). *Principles and parameters in a VSO language: A case study in Welsh*, Oxford University Press.
- Sato, Y. & Karimi, S. (2016). Subject-object asymmetries in Persian argument ellipsis and the anti-agreement theory. *Glossa: a journal of general linguistics*, 1(1).
- Shang, J. & Cui, S. (2024). Universal Grammar and Universal Grammar's Influence and Related Theories Concerning Second Language Acquisition. *Sch Int J Linguist Lit*, 7(7), 182-186.
- Swan, M. & Smith, B. (Eds.). (2001). *Learner English: A Teacher's Guide to Interference and Other Problems* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- White, L. (2003). On the nature of interlanguage representation: Universal grammar in the second language. *The handbook of second language acquisition*, 18-42.
- White, L. (2003). *Second Language Acquisition and Universal Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.